

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه و یادداشت پورتال
۱۰ جنوری ۲۰۲۲



یونس نگاه

افغانستان جمهوری و دموکراتیک یک رنگ و بی صدا نخواهد بود!



دور اول طالبان بود و من محصل سال اول در پوهنتون کابل بودم. یک روز در مضمونی که استاد جلال درس می‌داد، امتحان داشتیم. من دیر رسیدم. از دروازه که درآمد همه دست به قلم منتظر استاد بودند که سؤال‌ها را بگویند. وقتی وارد صنف شدم استاد جلال گفت: "کجا بودی، امتحانه به خاطر خودت مایل کدیم!" چندتا از هم‌صنفی‌ها هم شکایت کردند که کجا بودی؟

در همان صنف، استادانی داشتیم که حاضر نبودند مستقیم ما را مخاطب قرار دهند. یکبار، استادی در تبصره مذهبی بدون توجه به گل روی محصلان هزاره‌اش گفت: از نظر ما شیعه مسلمان نیست.

استاد جلال وضعیت ما را درک می‌کرد و شاید آگاهانه توجه داشت تا احساس بیگانگی نکنیم. رفتار او ازین جهت مهم بود که همه ما می‌دانستیم چند سال پیش از آن "جمعیت" و "حزب وحدت" در جنگ تنظیمی هزاران جوان هزاره و تاجیک را به‌جان هم انداخته و نفرت عمیق بین این دو گروه قومی کاشته بودند.

هر وقت استاد جلال مرا به‌نام صدا می‌زد که یونس پیش صنف بیا، یونس سمینار بده یا یونس چرا دیر آمدی؛ انرژی می‌گرفتم و ازین که یک استاد تاجیک از من به‌خاطر تعلق قومی‌ام نفرت نداشت، خوش‌حال می‌شدم.

استاد جلال با صدای بلند و رسایش پیش صنف، در چوکات مضمونی که درس می‌داد، از مسایل سیاسی بحث می‌کرد. گاهی با لبخند، اشاره و سکوت ناگفته‌هائی را به‌یاد ما می‌آورد. وقتی نمی‌توانست سخنی را به‌زبان آورد، سرش را به سمتی کج کرده با سکوت یا ابرو تکان‌دانی ما را می‌فهماند.

افرادی در سطح جلال بی‌انگ و مَهر نمانده‌اند و هرکدامشان گرایش‌هائی دارند که شاید گاهی خوش ما نیاید. شاید آنان خواست‌های صنفی، محلی، سمتی و فرهنگی داشته باشند که برای تعدادی از ما مفهوم نشود؛ اما اگر بخواهیم افغانستان جمهوری و دموکراتیک بسازیم بیکرنگ و بی‌صدا نخواهد بود، بلکه بسیار متنوع، پررنگ، پرسروصدا و سرشار از رقابت خواهد بود.

فیض الله جلال را حمایت کنیم. اوسط نمره او در وطن‌دوستی، تعهد به آبادی کشور و ساختن جامعه دموکراتیک از بیشتر ما بالاتر است.

یادداشت:

به نظر ما در اینجا بحث این نیست که آیا باید از استاد "جلال" دفاع کرد و یا خیر؟ چه ممکن است هر فردی از ما به ده ها و صد ها دلیل نه تنها با فرد و یا افرادی زاویه داشته باشیم، بلکه آنها را در مقاطعی در کنار دشمنان خود دیده، تا حال دشمن خود بدانیم، در حالی که بحث اساسی این است که آیا حاضریم علیه استبداد رأی، تحجر، خود کامگی و آزادی کشی طالب و نظام ملا سالار به پا خیزیم و یا نه؟ آیا حاضریم برای آزادی عقیده، بیان و وجدان مبارزه نمائیم و یا خیر؟

هرگاه حاضریم علیه استبداد رأی، تحجر، خود کامگی و آزادی کشی مبارزه نمائیم، این را بپذیریم که مبارزه ما می‌باید اولتر از همه به منظور اثبات صداقت ما در امر مبارزه علیه ظلم و بی عدالتی و علیه انقیاد طلبی ملی و طبقاتی و انجماد فکری و علیه آزادی کشی و ترویج بردگی فکری، برای آزادی و تأمین حقوق انسانی دشمنان فکری و طبقاتی ما باشد.

ما عقیده داریم که دفاع از دوست و همفکر مبین آزاده بودن و طرفدار حق و عدالت بودن نیست، بلکه آنگاهی می‌شود به فردی و یا نهادی آزاد و آزاده خطاب کرد که حاضر باشد در دفاع از حق مخالفان و حتا دشمنانش از جان مایه گذارد. در مورد خاص کنونی که استاد "جلال" را به جرم ابراز عقیده، از گوربرخاستگان تاریخ به بند افکنده اند، علی رغم این که در گذشته ها دریائی از خون بین ما و استاد "جلال" فاصله وجود داشت و تا هنوز هم نه تنها فاصله ها از میان نرفته است بلکه در بسا موارد بیشتر هم شده است، خود را مکلف می‌دانیم تا در کمپاین دفاع از "آزادی بدون قیدو شرط استاد جلال" سهم فعال گرفته، به نظام ملاسالار این فرصت را مساعد نسازیم تا با استفاده از تضاد های موجود بین احاد ملت، حاکمیت دار و تازیانه خودش را تحکیم بخشد.

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"